



بازدید اهالی انجمن چهارباغ از عمارت تاریخی مصلی و هنرمندان مجموعه

پاتوق میراث داران هنر

مصلی خارج از محدوده شهری

ورود برای عموم به مجموعه مصلی آزاد است. همان ابتدای ورودی خیلی مختصر و کوتاه درباره بنا توضیح داده است.

رضا سلیمان نوری، خراسان پژوه و رئیس هیئت مدیره انجمن توسعه گردشگری چهارباغ پای همان تابلو و قبل از ورود به مجموعه توضیح می دهد: مصلی محل برگزاری نمازهای خاص بوده است، شبیه نماز عید قربان، عید فطر، نماز طلب باران و نماز فرج که در بین برخی از مردم گذشته مرسوم بوده است و در جمعه ای نزدیک به نیمه شعبان برگزار می شده است.

وی در ادامه می گوید: مصلی معمولا خارج از محدوده شهری بنا می شده است، طوری که مردم هروله کنان برای گزاردن نماز عید می آمدند تا هر آنچه را از ناپاکی در وجودشان است، پاک کنند و آراسته برای نماز آماده شوند. به گفته این خراسان پژوه به هنگام ساخت این مجموعه تا شعاع چند کیلومتری مصلی، هیچ محدوده مسکونی جز کاروان سراهایی برای اتراف مسافران و محل های گذاشتن بارهای تجاری نبوده است.

سلیمان نوری اشاره ای کوتاه به تاریخ شکل گیری بنا در دوره شاه سلیمان صفوی

معصومه فرماني کيا- اهالی محدوده مصلی سال هاست مجاور و همسایه با یک بنای متفاوت زندگی می کنند. مجموعه ای که تا شعاع چندمتری اش روح هنرمندانهای خواهی نخواهی ذهن را درگیر می کند. سبک خاصی که در معماری فضا مصلی از دور به چشم می آید، کافی است تا پای هر رهگذری را برای دقایقی سست کند. برای بعضی ها دیدن مجموعه عادی شده است و بی تفاوت از کنارش می گذرند اما برخی از رهگذران انگار در عالمی دیگر هستند و شلوغی آدم های اطرافشان را نمی بینند و از پشت لنز دوربین خیره در بنایمانند.

تعدادی از اعضای انجمن توسعه گردشگری چهارباغ خراسان، پنجشنبه ای که گذشت چند ساعتی را وقت گذاشتند تا لحظاتی را بین ایوان و محرابی که سال های دور نمازگزاران را دور هم جمع می کرد بگذرانند. آن ها به دور از دنیای شلوغ بیرون، لایه لای غرقه های هنرمندان قدم زدند، گپ زدند و تماشاکردند و برخی هایشان هم تحفه های به یادگار بردند تا خاطره این دیدار برای همیشه در خاطرشان بماند.

آدم بین ایوان و محراب مصلی که قدم می زند، سقف برافراشته محراب با چوب هایی که به منظور تنظیم صوت در سقف جا گرفته اند را از نزدیک و به چشم می بیند و به این می رسد که مردمان قدیم چقدر عشق را بلد بوده اند، نذر را بلد بوده اند. می دانسته اند برای عشق باید وقت گذاشت. در های چوبی تراشیده شده بناهای کهن را که نگاه کنی، روح هنرمند تا شعاع چندمتری اش آدم را تسخیر می کند.

کاشی هایی که ذکر زیر لب کاشی کارش هنوز هم در زیر محراب توی گوش می پیچد و رندانه چشم را متمرکز نقطه ای می کند که بعد این همه سال و زندگی نقش دستهای هنرمندش تازه و بکر است.

مردمان قدیم، هنر نذر می کردند، هر جائری هست عشق بازی هایی رندانه هنرمندانی گمنام پشت آن پنهان است.

کرده و یادآور می شود: بنا شبیه خیلی از مجموعه های تاریخی و هنری در دوره قاجار به فراموشی سپرده می شود تا اینکه در دوره رضاخانی تصمیم به ترمیم و مرمت آن گرفته می شود و این اثر در سال ۱۳۱۰ و به شماره ۱۴۱ ثبت میراث فرهنگی می شود و بعد از ثبت حرم مطهر و طوس و گنبد سبز در ردیف چند اثر اول ثبت شده در مشهد است.

این محقق ادامه می دهد در کنار مصلی معمولا اتراف گاهی وجود داشته که آن فضا حالا در اختیار هنرمندان قرار گرفته است.

یک ایوان بلند با دورواق در طرفین و گنبدی آجری که مجموعه فضایی نمازگزاری مصالح را شکل می دهد، در ادامه اعضای انجمن چهارباغ را در خود جمع می کند تا سلیمان نوری در تکمیل صحبت هایش یادآور شود دورواقی که اطراف محراب هست، به واسطه وجود اقلیت های مذهبی آن زمان است. به احترام اقلیت های مذهبی فضایی را هم برای نمازگزاران در نظر می گرفتند.

حاضران در جمع به کاشی کاری های معرق و مقرنس گچی چشم دوخته اند و به گنبد آجری که بعد از گذر این همه سال، حتی پس از تندباد حوادثی چون زلزله، مقاوم و محکم ایستاده است.

هنر در هنر

این مجموعه به خاطر موقعیت خاص خود به عنوان مرکز پژوهش و آموزش هنر نیز فعال است. هنرمندان زیادی در رشته های متفاوت هنری از هنر حکاکی بر روی سنگ گرفته تا پایه ماشه سنتی و قلم زنی روی انگشتر و نقاشی قهوه خانه ای در اتاق های کنار تر این مجموعه مستقر هستند. هر روز از هفت صبح تا عصر، این هنرمندان مشغول کارند. حسینی مدیر مجموعه معتقد است اگر هنر همیشه در ساختمان در بسته و دور از چشم بماند، دیگر مردمی شدن و رایج شدن اش معنایی نمی یابد. او علاقمند است عاشقان و صاحبان ذوق و حتی مردمان عامی و عادی بازدیدی از مصلی هنری مشهد داشته باشند.

بالا رفتن از چند پله کافی است تا از هیاهوی دنیای بیرون به هیاهوی هنرمندان داخل مجموعه و اتاق هایی تودرتو دول نواز آن برسی. هیاهویی که حتی اگر برای بار اول به اینجا آمده باشی، حس غریبی نداری یا آن صدای دلچسپی که هر از گاهی بلندست.

میان این همه چهره آشنا و غریب استاد یار احمدی داخل اتاق نشسته است و گاهی تازی می نوازد و شعری می خواند.

برخی از اتاق ها شلوغ و مملو از هنر آموز است، اما برخی از هنرمندان انگار در عالمی دیگر هستند و شلوغی های دنیا اطرافشان را نمی بینند؛ شبیه

این مجموعه به خاطر موقعیت خاص خود به عنوان مرکز پژوهش و آموزش هنر نیز فعال است